

قانون مجازات عمومی

منشاء وجود و پیدایش این اصل

مرور زمان یکی از اصول نسبتاً تازه حقوق جزائی است که در قوانین و حقوق قدیم تقریباً وجود نداشت چنانچه قوانین مذهبی که پایه حقوق قدیم را تشکیل می دهد و نیز قوانین رومی که سرچشمه حقوق مغرب زمین است در مسائل جزائی که دارای جنبه عمومی باشند مرور زمان را جایز نمیدانستند.

بعدها که دامن تمدن توسعه یافت و شرائق نزدیکتری که بین افراد در محیط های کوچک پیش وجود داشت از بین رفت و باالزامه وسایل کشف و تعقیب و تسریع در مجازات مجرم که سابقاً بخوبی میسر بود مشکل شد و از طرفی از دیاد روابط اجتماعی مستلزم توسعه حقوق عمومی و در نتیجه بسط قوانین جزائی گردید علماء علم حقوق بدین مسئله پی بردند که تعقیب و مجازات مجرمین در اثر عواملی بشرح ذیل فلسفه و منطق قضائی خود را از دست می دهد.

۱ - جامعه حق خود را فراموش کرده و مدتهاست از تعقیب یا مجازات مجرم بحکم ضرورت دست کشیده و یا دسترسی بان نداشته.

۲ - اشتیاق و اختلالی که از وقوع جرم در امنیت و نظم اجتماعی رخ نموده مدتهاست برطرف شده و آثار آنهم از بین رفته است.

۳ - در نتیجه همان گذشتن ایام دلائل و تمویحات مؤثره در کشف جرم و تعیین مجرم اصلی محوشده و یا اگر هم باقی است در اثر مرور زمان اعتبار موقعی آنها از دست رفته است.

مثلا در امور جزائی در درجه اول امارات و ادانه مثبتة شهادت شهود واقع شده و نظر باینکه قوه حافظه و یادآوری صحیح و بسیار دقیق وقایع (که شرط اصلی در

در اینجا و در صورت غلبه ارزش حقی که حفظ شده بر حق مورد تلف، قبول معافیت ثالث بی اشکال است.

مثل آنکه برای نجات جان کسی از مرك مثل دیگری را مورد تلف قرار دهند. ولی در صورت تعارض دو حق مصاری مثل مبارزه دو فر در حال غرق مداخله شخص ثالث قابل قبول نیست چه مشار الیه حق ترجیح دادن یکی از دو نفر را بر دیگری ندارد مگر آنکه نفع بسیار نزدیک و مستقیم در نجات یکی داشته مثل آنکه یکی از دو غریق فرزند اوست یا وی وظیفه دارد در حفظ و حمایت شخص یا مالی است مانند ناخدای کشتی در حفظ لاقبل قسمتی از بار پفدا کردن قسمت دیگر یا طبیب در سقط جنین زنی برای نجات او.

۲ - موانع مجازات بعد از تعقیب

جزائی شخص

دسته دوم از موجدیات منفع یا اسقاط مجازات آنها می هستند که پس از وقوع جرم و یا شروع قوه قضائیه بتعقیب مجرم و کشف جرم پدیدار میشوند مانند: مرور زمان - عفو - تملیق.

۱ - مرور زمان

عبارت از وسیله ایست که بموجب آن شخص از نتایج عمل جزائی خود بر اثر گذشتن زمان مبرا ماند و دیگر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود بعبارت دیگر چنانچه از تاریخ ارتکاب جرم یا وقفه در تعقیب مجرم و یا محکومیت او مدتی گذشت و دیگر قوای عمومی عمل مجرم را مورد بازرسی و باز پرس و یا مجازات قرار ندادند دیگر دوباره نمی توان همان شخص را برای همان جرم مورد مؤاخذة و تنبیه قرار داد.

معاف میشوند منتهی سعی و کوشش خود را در پنهان کردن جرم و گریز ندادن خود مینمایند و معمولاً هم این قبیل موقوفیت‌ها نصیب همان مجرمین زبردست و خطرناک میشود و جامعه هم بیشتر از آنها صدمه و زیان می بیند تا از مجرمین دیگر .

پس معافیت این اشخاص در حکم آنست که عمل زشت و نکوهیده آنها بدم تعقیب و مجازات و پاداش داده شود و الا هیچ دلیل ندارد که افراد نادان و غیر آگاه بقانون و ریاضت با وجدان و عدالت خواه که خود را تسلیم اراده و حکم قانون میکنند تعقیب شوند و مجازات ببینند و برعکس مجرمین خطرناک و زبردست و همانها که مهارت و قدرتشان در اختفاء جرم و فرار از تعقیب بیشتر است از مجازات مصون مانند .

و اما پیش بینی پشیمانی و آوارگی و تحمل مشقاتی که از متواری بودن شخص مجرم دست میدهد و طرفداران مرور زمان آنرا بمنزله یک نوع مجازات در باره او میگیرند بمعنی مخالفین خود يك فرض موهوم و غیر علمی و از جمله همان اشتباهاتی که علماء قیاسیون در کایه اصول و مبانی حقوق جزائی نموده و مجرمین و کسانی را که با افکار پست باعمال زشت و ناپسند اشتغال و در نتیجه از افراد فاسد الاحلاق هستند در ردیف اشخاص عادی قرار داده و عبارت دیگر در موقع انشاء اصول جزائی طرز فکر و درجه تمدن و رشد اخلاقی خود را نمونه فرد عادی گرفته ولی در عین حال برای افراد خطرناک و پست (که دارای ملکات ناپسند و بنابراین شباهتی با خود آنها ندارند) اظهار نظر میکنند .

با همه این احوال و با وجود وارد بودن پاره از ایرادات مخالفین .

مرور زمان از نظر مصالح اجتماعی و فوائد مهمی که دارد مورد قبول عموم قوانین و حتی دسته بزرگی از مخالفین (در برخی موارد در تحت شرایط معینی بدان تن داده اند) قرار گرفته .

انبات جرائم است) با مرور زمان روبه ضعف نهاده و آن دقیق و نکات باریکی را که مؤثر در کشف جرم است می دهد دیگر نمی توان باین گونه دلائل ترتیب اثر داد .

۴ - مشقات و گرفتاری هایی که از وقوع جرم و فراری بودن و آوارگی فاعل و مخفی ساختن خود (چه هنگام تعقیب و چه بعد از صدور حکم برای فرار از مجازات) و بطور کلی راحت نبودن فکر و زندگی او در مدت متمادی خود بمنزله مجازاتی است که نصیب او می شود .

مرور زمان باسانی مورد قبول همگی علماء در حقوق جزائی نیست و بلکه پاره از آنان با این اصل مخالف :

اولاً موافقین را بدین شرح رد میکنند که اولاً مجازات قابل فراموشی نیست و بر فرض قبول هم فراموشی و نسیمان نباید تأثیری در معافیت مجرمین داشته باشد

ثانیاً رفع اغتشاش و اختلال که در نتیجه جرم حادث می شود منحصر بجرائمی که مشمول مرور زمان می شود نبوده و بصرف اینکه چون هنگام کشف و تعقیب مدتی از وقوع جرم گذشته و اختلال رفع شده نباید موجب منع تعقیب شود چه باین استدلال هیچوقت مجازات قابل اعمال نبوده و معمولاً بین اختلال حاصله از وقوع جرم و تعقیب مجازات چندی فاصله است .

ثالثاً توسعه روز افزون دانش و هنر و اختراع همه گونه وسائل فنی برای جلوگیری از محو آثار جرم و بهمان حالت وقوع نگاهداشتن آن موجب آنست که نگرانی های سابق بر گذشتن ایام و از بین رفتن آثار و ادله مجرمیت منتفی شود .

علاوه بر این قائل شدن معافیت برای مجرم فراری خود بمنزله تشویقی است از مجرمین زبردست و خطرناک چه وقتی اشخاص مطمئن شوند که اگر در مدت معینی توانستند خود را از چنگ قوه قضائیه برهانند از مجازات